



البته انسان فطرتاً به سوی ارتباط با مبدأ کمال متمایل است؛ چرا که کشش فطری در درون انسان او را به سوی بی نهایت سوق می دهد. این تمایل نامحدود به غیر از ارتباط با کمال مطلق و نیروی بی انتهای خالق هستی اقناع نمی شود. عبادت و دعا و نیایش بهترین راه شکوفایی این تمایل فطری و استعداد درونی انسان است، به همین علت خداوند متعال ارزش و جایگاه واقعی انسان را در بارگاه خویش بوسیله دعا و نیایش او تعیین

مروری بر آیات قرآن نشان می دهد که بخش عظیمی از پیامهای کلام وحی در مورد ارتباط انسان با خداست. این رابطه خالق و مخلوق زیباترین جلوه هستی است که انسان تشنه را، از زلال رحمت و برکات حضرت حق سیراب می سازد. قرآن، کتاب خدا، با کلمه «الله» آغاز شده و با واژه «ناس» خاتمه می یابد و این بیانگر اهمیت رابطه خدا و مردم است. در آیه ۱۸۶ سوره بقره خداوند هفت مرتبه به ذات مقدس خود و هفت بار به بندگان اشاره کرده و این اوج ارتباط و پیوند خداوند متعال با بندگان است.

می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ مَا يَغْبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»^۱؛ بگو: پروردگام برای شما ارزشی قائل نیست، اگر دعای شما نباشد.

طبق این پیام قرآنی، ارزش واقعی انسان در بارگاه الهی و معیار ارزش معنوی افراد، براساس بندگی، خضوع و خشوع در مقابل خداوند متعال و الحاح و التماس و درخواست او از آفریدگار جهان هستی است.

افرادی که از دعا و گفتگوی همراه با خواهش و تمنا و ندبه با حضرت حق سرباز می‌زنند و در مقابل خداوند متعال روحیه مستکبرانه‌ای دارند، نه تنها از رحمت الهی بدورند؛ بلکه مستوجب آتش جهنم و قهر الهی خواهند بود! خداوند متعال در سوره غافر به این نکته پرداخته، می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^۲؛ «و پروردگارتان فرمود: مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند، به زودی خوار در دوزخ در می‌آیند.»
حافظ در تفسیر این آیه می‌گوید:

در کوی عشق شوکت شاهی نمی‌خرند
اقرار بندگی کن و اظهار چاکسری
پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيَمِينُكَ الْخَيْرَ الْكَثِيرَ عَنْ عَبْدِهِ فَيَقُولُ لَأَعْطِيَهُ حَتَّى يَسْأَلَنِي»^۳؛ خداوند متعال عطای بسیاری [از نعمتها و برکاتش] را به بندگان منوط به سؤال و دعای آنان کرده و می‌فرماید: تا بنده‌ام از من نخواهد و سؤال نکند، به او عطا نمی‌کنم.

با توجه به اهمیت و ارزش دعا نزد پروردگار متعال، شایسته است شرایط دعا، مقدمات و انواع استجاب آن را در کلام وحی بررسی کنیم. شخصیت معنوی انسان در گرو دعا و ارتباط خاضعانه و عاشقانه او با خداوند عالمیان است، انسان نیازمند، هر چقدر در محضر خداوند متعال پر سوزتر، خاشع‌تر و ذلیلانه‌تر نجوا کند، به همان مقدار، ارزش و اهمیتش در درگاه خداوند بالا خواهد رفت. خوشا

۱. فرقان / ۷۷.

۲. غافر / ۶۰.

۳. مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل البیت قم، ج ۵، ص ۱۷۵.

7192

به حال آنان که بر چشمه دعا و مناجاتهای شبانه نشسته و از کوثر زلال ادعیه نوربخش، روح تشنه خود را سیراب می‌سازند! آنان بر این باورند که:

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود

و:

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است
بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی
در همین راستا خداوند متعال مردم را به ارتباط و دعا فراخوانده و مژده اجابت می‌دهد.

«وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»^۱؛ «و هر گاه بندگان من از تو درباره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را - به هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم؛ پس آنان باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.»

شرایط و زمینه‌های دعا

نیاز به خداوند

انسان نیایشگر با انتخاب

۱. بقره / ۱۸۶.

۲. بقره / ۱۱۵.

7193

نزدیک‌ترین و شایسته‌ترین راه ارتباطی با آفریدگار هستی، خود را در معرض رحمتها و برکات حضرت حق قرار می‌دهد. او با عبور از مقدمات و شرایط پر پیچ و خم زندگی مادی، دست به دعا بلند کرده و در هر شرایط و زمانی خود را به قدرت لایزال جهان آفرینش عرضه می‌کند و به راحتی با معبود خود به گفتگو می‌پردازد، چرا که خداوند فرموده است «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَئِمَّ وَجْهَ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۲؛ «و مشرق و مغرب از آن خداست؛ پس به هر سو رو کنید، آنجا روی [به] خداست. آری، خدا گشایشگر داناست.»

بنده محتاج در هر لحظه و در هر مکان که بخواهد، می‌تواند دست به دعا برداشته و رفع حوائجش را از او بخواهد. احساس نیاز، بهترین نعمت الهی است که انسان نیازمند را به سوی خدا می‌کشاند و هر قدر وی نیازمندتر باشد، بیشتر به خداوند نزدیک است. در آستانه حضرت دوست عشق و

شور لازم است و این بالاترین سرمایه یک انسان خداجو و کمال خواه است. اگر درد، آه و نیاز نباشد دعا چه اثری خواهد داشت. بالاترین سرمایه یک نیایشگر راستین، توجه عمیق همراه با ارادت قلبی است که از نیاز و عشق واقعی او بر می خیزد و در قالب عباراتی سوزناک و دلربا بیان می گردد. حافظ می گوید:

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند
دعای نیم شبی دفع صد بلا بکند
طیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک
چو درد در تو نبیند که را دوا بکند
تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار
که رحم اگر نکند مدعی خدا بکند
احساس نیاز موجب می شود که دعاکننده با تمام وجود دعا کند و قلبش بازبانش یکی باشد و دعای حقیقی محقق شود. به همین جهت در سوره فاطر به انسانهای نیازمند یادآوری می شود که:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾^۱ «ای مردم، شما به خدا نیاز مندید و خداست که بی نیاز ستوده است.»

مولوی گفته است:

هر چه روید از پی محتاج رُست
تا بسباید طالبی چیزی که جست
حق تعالی گرسماوات آفرید
از برای دفع حاجات آفرید
هر کجا دردی دوا آنجا رود
هر کجا فقری نوا آنجا رود
هر کجا مشکل جواب آنجا رود
هر کجا کشتی^۲ است آب آنجا رود
آب کم جو تشنگی آور بدست
تا بجوشد آبت از بسالا و پست^۳
فقر ذاتی انسان، او را به سوی خدا می کشاند و او خداوند را می خواند. اما اگر احساس نیاز، نباشد و انسان، خدا را نخواند، خداوند متعال هم به او توجهی نخواهد کرد، مانند بیماری که احساس درد و رنج نکند و به پزشک مراجعه ننماید، بنابراین بیماری نیز درمان نخواهد شد. انسان اگر بخواهد به کمال برسد، لازم است تلاش و کوشش و انگیزه ای قوی در وجود

۱. فاطر / ۱۵.

۲. کشتزار و زراعت.

۳. مندی، دفتر سوم، جلال الدین محمد بلخی، به اهتمام ربینولدین نیکلون، ص ۱۸۳.

اوست، بنابراین در دعا، علاوه بر شناختن مقام ربوبی و باور یقینی به توحید، باید احساس نیاز کرد و تلاش نمود و گرنه انسان گمراه، بدون اینکه از

مبدأ قدرت مطلق الهی یاری بگیرد، راه به جایی نخواهد برد. چنین انسانی روی آرامش واقعی را نخواهد دید و از همه برکات روانی، اجتماعی، تربیتی و معنوی دعا محروم خواهد ماند. نیایشگر محتاج، همواره از عمق وجودش می نالد که:

الهی بی پناهان را پناهی

به سوی خسته حالان کن نگاهی

مرا شرح پریشانی چه حاجت

که بر حال پریشانم گواهی

از آنجا که نیاز انسان به خداوند

بهترین وسیله ارتباط و نزدیکی او به درگاه حضرت پروردگار است، رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «الْفَقْرُ فَخْرِي وَ يَهْ أَفْتَحُهُ»^۱ «نیاز من [به خداوند] مایه افتخار من است و به آن می بالم.»

حضرت رسول ﷺ در دعاهای

خود از خداوند متعال درخواست می نمود که: «اللَّهُمَّ آخِرِي مِنْكَ وَأَمْنِي مِنْكَ وَأَحْسَنِي فِي زُمْرَةِ الْمَسْكِينِ»^۲

پروردگارا! مرا همواره نیازمند [به خود] زنده دار و این گونه بمیران و در روز قیامت در زمره نیازمندان محشور گردان!»

آن بنده صالح پروردگار به همین علت، ساده زیستی، دلبسته نبودن به مظاهر دنیوی و نیازمندی به درگاه حق را انتخاب کرد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«روزی فرشته ای از سوی خداوند متعال به نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت سلام می رساند و می گوید: اگر دوست داری، سنگریزه های بیابان مکه را برایت به طلا و جواهرات تبدیل کنم! آن گرامی سرش را بلند کرد و گفت: «يَا رَبِّ لِي، وَلَكِنْ أَشْبِعُ يَوْمًا وَأَجُوعُ يَوْمًا، فَإِذَا شَبِغْتُ حَمِدْتُكَ وَ شَكَرْتُكَ وَإِذَا جُفْتُ دَعَوْتُكَ وَ ذَكَرْتُكَ»^۳ خداوند! نه؛ [بی نیازی از تو را در دنیا نمی خواهم]

۱. جامع الاخبار، تاج الدین شعیری، انتشارات رضی، ص ۱۱۱.

۲. عوالی اللئالی، ابن ابی جمهور احسانی، چاپ سید الشهداء، قم، ج ۱، ص ۳۹.

۳. امالی، شیخ محمد بن حسن طوسی، مؤسسه النعش، ص ۶۹۳.

7195

7194

ولی روزی سیرم و روز بعد گرسنه‌ام، هنگام سیری، حمد و ثنای تو گویم و در هنگام گرسنگی، تو را یاد می‌کنم.»

فقر

از آفاتی که در زندگیهای مرفه وجود دارد و برای انسانهای کمال‌جو توجه به آنها لازم است، تنزل درجات و فاصله گرفتن انسانهای تشریفاتی از درگاه الهی است. این گونه اشخاص در اثر آلوده شدن به دنیا و گرایش به سوی آن، بین خود و خدایشان فاصله‌ها و موانع ایجاد می‌کنند و روحیه احساس نیاز به خداوند در وجودشان کم رنگ و ضعیف می‌شود، چرا که به سببهای ظاهری دلبسته و از سبب‌ساز واقعی غافل می‌شوند و گاهی تصور بی‌نیازی به آنان دست می‌دهد؛ چرا که «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»^۱ «البته که انسان اگر خود را بی‌نیاز احساس کند طغیان خواهد کرد.»

آنان به همین علت به راحتی نمی‌توانند به مقامات عالیه معنوی دسترسی پیدا کنند. خداوند متعال این حقیقت روشن را در قرآن کریم این چنین توضیح می‌دهد: «مَنْ كَانَ يُرِيدْ

۱. عنق ۶۰ و ۷

۲. توری ۲۰

حَزَتْ الدُّنْيَا نَفْسَهُ مِنْهَا وَمَالُهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ؟» کسی که کشت این دنیا را بنخواهد به او از آن می‌دهیم ولی آخرت او را نصیبی نیست.»

از شاخص‌ترین خصصتهای رسولان الهی اجتناب از تجمل و زندگی اشرافی است. آنان بر این باور الهی تأکید می‌ورزیدند که خداوند متعال ساده زیستی و بی‌تکلف بودن را دوست دارد و تشریفات و امتیازات طبقاتی را خوش نمی‌دارد. آنان با اینکه می‌توانستند در رفاه کامل زندگی کنند؛ هیچ‌گاه خود را به تجملات نیالودند. آنان به زندگی ساده که در آن احساس نیاز به خداوند تقویت شده و فاصله میان بنده و خدا به حداقل رسد؛ تأکید می‌ورزیدند. در روایت آمده است که: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روی حصیری خوابید و نشانه‌های زبری حصیر بر بدن مبارکش ماند. عایشه از روی دلسوزی به حضرت عرض کرد یا رسول الله! «کسری» و «قیصر» (پادشاهان ایران و روم) کشورهای

وسیعی را تحت سلطه خود دارند و از همه گونه نعمت دنیوی برخوردارند؛ ولی شما که پیامبر الهی هستید، از متاع دنیوی چیزی در اختیار ندارید؛ روی حصیر می‌خوابید و لباس ارزان قیمت می‌پوشید! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: عایشه! چه خیال می‌کنی! هر گاه من بخواهم، کوه‌ها طلا می‌شوند و در اختیار من قرار می‌گیرند! روزی جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و کلید گنجینه‌های جهان را در اختیار من گذاشت؛ اما من نپذیرفتم! حضرت آنگاه فرمود: ای عایشه! حصیر را بلند کن! او نیز سخن پیامبر را اطاعت کرد و با کمال شگفتی مشاهده نمود که در هر گوشه آن مقدار زیادی طلا است که یک مرد به تنهایی قدرت حمل آن را ندارد. سپس به عایشه فرمود: نگاه کن! و طلاها را از نزدیک مشاهده نما، اما بدان که دنیا و تمام زیباییهای فریبنده و ظاهری آن از نظر خدای تعالی به اندازهٔ بال پشه‌ای ارزش و اعتبار ندارد.^۱

خداوند دوست دارد بندگانش به زندگی دنیا دل نبندند و به این دنیا و مظاهر مادی آن به عنوان وسیله‌ای

برای رسیدن به کمال و قرب الهی بنگرند.

در همین راستا امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «مَنْ أَحْبَبَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلَيْسَتْ لَهُ لِقْفَرٌ جَلِيلًا»^۲ هر کس ما اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را دوست دارد، باید برای فقر [و محرومیت] لباسی تهیه کند.»

البته فقر و نیازمندی اولیای الهی، حاکی از کمال روحانی است که با ترک دنیا و لذات زودگذر آن آغاز می‌شود و با فنا شدن در ذات احدیت ادامه می‌یابد. پس انسان برای رسیدن به مقام فقر حقیقی باید از هر چه غیر خداست دل بکند و همه چیز را از آن حق تعالی بداند و حتی برای خودش موجودیت قائل نباشد. یعنی انسان خود را در برابر آفریدگار جهان، نیازمند مطلق بداند.

این احساس نیازمندی در پیشگاه الهی که علامت کمال و رشد انسان است، بارها در قرآن مطرح شده و

۱. حلیه الاولیاء، ابو نعیم اصفهانی، ج ۸ ص

۱۳۸

۲. نهج البلاغه، نشر انجمن علیه السلام، حکمت ۱۱۲.

۷۱۹۷

۷۱۹۶

خداوند متعال اولیاء خود و پیامبران را به این خصالت می ستاید. در سوره قصص از زبان حضرت موسی علیه السلام می فرماید: «رَبِّ اِنِّی لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرِ فَقِیْرٌ»^۱ «پروردگارا، من به هر خیری که به سویم بفرستی سخت نیازمندم»^۲ البته ناگفته نماند که فقر منفی که مورد نکوهش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واقع شده و فرموده: «كَادَ الْفَقْرُ اَنْ یَكُوْنَ كُفْرًا»^۳ فقر و نیازمندی انسان را به مرز کفر و بی دینی می کشاند» ضد کمال بوده و هرگز مورد پسند نیست.

این گونه فقر و نیازمندی که در جوامع عقب مانده و یا در میان سایر جوامع وجود دارد و حاکی از سیطره ظلم و ستم و بیدادگری مستکبران در روابط اجتماعی است، هیچ گونه حسنی ندارد؛ بلکه عین نقص و زشتی است.

یعنی در حقیقت، احساس نیاز در مقابل خداوند متعال عین کمال است و احساس نیازمندی در مقابل ارباب زر و زور و تزویر امری ناپسند و زشت تلقی می شود. اولیاء الهی و رهبران آسمانی، مأموریت داشتند تا چهره

کریه این گونه فقر و ناعدالتی را از چهره جامعه بزدایند و زمینه را برای گسترش عدالت و معنویت آماده سازند. رسول گرامی اسلام از این گونه فقر و فلاکت همواره به خدا پناه برده و در دعای روز عرفه به خداوند عرضه می داشت:

«اللَّهُمَّ اِنِّی اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ؛ خدایا! من از فقر به تو پناه می برم!»

آن حضرت در دعای دیگری در همین رابطه این گونه راز و نیاز می کند:

«اللَّهُمَّ وَاَرْزُقْنِیْ بِمَا وَاَسِعَ الْمَغْفِرَةَ لِیَا قَرِیْبَ الرَّحْمَةِ مِنْ فَضْلِکَ الْوَاسِعِ رِزْقًا هَنِیْئًا وَ لَا تُفْقِرْنِیْ بَعْدَهُ اَبْدًا وَرِزْقًا صَوْنًا بِهٖ مَاءٌ وَجْهَیْ مَا اَخْتِیْتُ اَبْدًا»^۴ پروردگارا! ای که غفران [و آمرزش] او فراگیر و رحمت [و لطفش به بندگان] نزدیک است! مرا از بخششهای بی منتهایت روزی گوارا

۱. قصص / ۲۴.
 ۲. همان.
 ۳. خصال، شیخ صدوق، نشر اسلامی، ج ۱، ص ۱۲.
 ۴. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، نشر جامعه مدرسین، ج ۲، ص ۵۴۲.
 ۵. بلد الامین، ابراهیم کفعمی، چاپ سنگی، ص ۴۲۲.

عیانت کن و بعد از آن هرگز مرا نیازمند نساز، آن چنان روزی که آبرویم را با آن حفظ کنم تا زمانی که مرا زنده می داری.»

در هر صورت نیازمندی به خداوند متعال، عزت و افتخار و بالاترین درجه کمال معنوی است. اما محتاج بودن به خلق بدون اینکه صبر و شکیبایی باشد و دست ذلت به سوی مخلوق دراز کردن، بدترین و پست ترین حالات انسانی است. صائب تبریزی می گوید:

دست نیاز جو پیش کسان می کنی دراز
 بل بسته ای که بگذری از آبروی خویش
 غنای واقعی، فقر و ذلت در مقابل
 خداوند است و فقر و محرومیت
 حقیقی بی نیازی از محضر ربوبی
 است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله دعای دیگری در این رابطه نقل شده که: «اللَّهُمَّ اَغْنِنِیْ بِالْاِفْتِقَارِ الْبَیْکَ وَ لَا تُفْقِرْنِیْ بِالْاِسْتِغْنَاءِ عَنْکَ»^۱ خدایا! مرا با محتاج نمودن به خودت، غنی و بی نیاز گردان و با استغنا از خودت محروم و فقیر مساز.»

حضور قلب و اخلاص

از دیگر شرایط و زمینه های دعای مطلوب، داشتن حضور قلب و

خلوص نیت در راز و نیاز با آفریدگار جهان است. دعا اگر بدون توجه به مبدأ هستی و از روی غفلت و جهل باشد، هرگز به اجابت نمی رسد.

امام صادق علیه السلام با اشاره به این نکته مهم فرمود:

«اِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ لَا یَسْتَجِیْبُ دُعَاءَ یَظْهَرُ قَلْبَ فَاِیْسٍ»^۲ بدون تردید خداوند عزیز و جلیل دعای انسانهای سنگدل را به اجابت نخواهد رساند!»

امیر مؤمنان علی علیه السلام به این شرط مهم دعا توجه کرده و فرمود: «وَ بِالْاِخْلَاصِ یَكُوْنُ الْخَلَاصُ فَاِذَا اسْتَدَّ الْفَرْعُ قَالِی اللّٰهُ الْمَقْرَعُ»^۳ و با اخلاص انسان از گرفتاریها خلاص می شود و هرگاه فشارهای زندگی بر شما سخت شد به خدا پناه ببرید.»

در آیات و حیاتی، اخلاص، شرط اساسی دعا قلمداد شده است. خداوند در سوره اعراف می فرماید: «... وَ اَقِمْوْا وُجُوْهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ اذْعُوْهُ مُخْلِصِیْنَ لَهُ»

۱. میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۴۳۸.
 ۲. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، مؤسسه آل البیت، ج ۷، ص ۷۲ و ۷۳.
 ۳. همان.

7199

7198

الدِّينِ...^۱؛ او [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید، وی را بخوانید. خداوند متعال کسانی را که فقط در هنگام نزول بلا و سختی خلوص نیت پیدا می‌کنند و دست به دعا بر می‌دارند مورد سرزنش قرار داده و می‌فرماید: «وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَوَاجٌ كَالظَّلَلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْتَدِ بِآيَاتِنَا إِلَّا كَلَّ خَسَارٍ كَفُورٍ»^۲؛ «و چون موجی کوه آسا آنان را فراگیرد، خدا را بخوانند و اعتقاد [خود] را برای او خالص گردانند، و [الی] چون نجاتشان داد و به خشکی رساند، برخی از آنان میانه رو هستند، و نشانه‌های ما را جز هر خائن ناسپاسگزاری انکار نمی‌کند.»

قرآن کریم در سوره غافر پس از توصیف اسماء حسناى خداوند متعال و شمارش برخی نعمتهای آفریدگار هستی، به ارتباط مخلصانه با خداوند فرمان داده و یادآور می‌شود که: «هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^۳؛ «زننده واقعی خداست.

معبودی جز او نیست، پس در حالی که دین خود را برای او خالص کرده‌اید او را بخوانید.»

به راستی اگر انسان با خلوص نیت و حضور قلب، دعاهاى وارده از اهل بیت علیهم‌السلام را با آن مضامین عالیه بخواند و روح و روان خود را با کوثر زلال ادعیه شستشو دهد، به چه مقامات عالیه‌ای دست پیدا خواهد کرد!

در مناجات شعبانیه که از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام به ما رسیده، جملات عارفانه بسیار ظریف و با عظمتی وجود دارد که اگر با خلوص و عشق خوانده شود مسلماً انسان را به مراحل و مقامات عالیه‌ای خواهد رساند. معروف‌ترین فراز این دعا چنین است: «اللّٰهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَيْزَ أَبْصَارِ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَخْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ السُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ وَ تَصَيِّرَ أَرْوَاحَنَا

۱. اعراف / ۲۹.

۲. لقمان / ۳۲.

۳. غافر / ۶۵.

مُعَلَّقَةً بِعِزِّ قُدْرِكَ^۱؛ خدایا! به من انتقطاع کامل به درگاهت عنایت فرما و دیده‌های باطنی دلهایمان را با تابش نور خودت روشن فرما تا اینکه دیده‌های حقیقت‌بین و روشن ما حجابهای نور را شکافته به سرچشمه عظمت [و شکوه درگاهت] برسد و ارواح ما به مقام عزیز و مقدس تعلق داشته باشد.»

همچنین در دعای عرفه که از وجود مقدس حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام صادر شده عبارات بلند و باشکوهی بیان می‌شود که سالکان مخلص با آن جملات توحیدی، استوار، مصمم و مشتاق در بوستان با صفای حقیقت گام بر می‌دارند و دل به دلدار می‌سپارند. در آن دعا خطاب به پروردگار آمده است: «أَيُّكُونُ يُغَيِّرُكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ مَتَى غَيْبَتْ، حَتَّى تَخْتَانِجَ إِلَى دَلِيلٍ يُدُلُّ عَلَيْكَ وَ مَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْإِنْفَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ»^۲ [معبودا!] آیا برای غیر تو ظهوری هست که برای تو نیست، تا او تو را آشکار و ظاهر سازد؟ تو کسی غائب بوده‌ای که نیاز به راهنما و دلیلی

داشته باشی که به سوی تو رهنمون گردد؟ کی دور بوده‌ای تا نشانه‌ها و آثار، [بندگان را] به سوی تو رسانند؟ کی رفته‌ای زدل که تمناکنم تو را کی گشته‌ای نهفته که پیداکنم تو را غایب نگشته‌ای که شوم طالب حضور پنهان نبوده‌ای که هویداکنم تو را با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشاکنم تو را امام حسین علیه‌السلام با این جمله دلنشین خویش، معرفت و رسیدن به خدا را بوسیله ذات مقدسش بیان می‌کند و این همان از خدا به خدا رسیدن است.

امام سجاده علیه‌السلام نیز در دعای ابوحمزه ثمالی به این نکته عمیق عرفانی اشاره دارد؛ آنجا که می‌فرماید: «وَأَنْتَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالَ دُونَكَ»^۳ [خدایا!] تو از مردم پنهان نیستی؛ بلکه اعمال [ناشایست و

۱. مفاتیح الجنان، اعمال ماه شعبان.

۲. اقبال الاعمال، سید ابن طاووس، دار الکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۷۴.

۳. مصباح المتعجد، شیخ طوسی، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ص ۵۸۳.

۶۲۵۱

۶۲۵۵

آرزوهای طولانی آنان را از تو جدا کرده است.»

اگر انسان بتواند با خشوع و آمادگی کامل این دعاها را زمزمه کند، بدون تردید در خودسازی و صفای باطن پیشرفت غیر قابل تصویری خواهد کرد. به همین علت حضرت امام خمینی، آن عارف به خدا پیوسته بر این باور بود که این دعاها انسان را از بتکده خودخواهیها خلاص می‌کند و از ظلمتکده دنیا به عالم نور و معنویت می‌رساند.

آن بزرگوار به نقل از استادان خود می‌فرمود:

«قرآن، قرآن نازل است، آمده است به طرف پایین و دعا از پایین به بالا می‌رود، این قرآن صاعد است. این ادعیه با یک زبان خاصی که در دعاها هست، اینها این انسان را دستش را می‌گیرد و می‌بردش به بالا، آن بالایی که من و شما نمی‌توانیم بفهمیم. این دعاهایی که در ماهها هست مخصوصاً در ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان، اینها انسان را همچو تقویت روحی می‌کند، اگر کسی اهلش باشد - ماها که نیستیم - نورا فکن است برای اینکه این بشر را از این

ظلمت‌ها بیرون بیاورد و وارد نور بکند که معجزه آساست. به این دعاها عنایت بکنید. سبکبار می‌کند انسان را و از این ظلمتکده می‌کشد او را بیرون. و نفس را از آن گرفتاریها و سرگشتگیهایی که دارد خارج می‌کند، این ادعیه‌ای است که از ائمه ما وارد شده‌اند.»^۱

تزکیه نفس، تعلیم مبارزه، شیوه حکومت‌داری، آموزشهای اخلاقی، اعتماد به نفس، ایجاد تعادل و آرامش، رهایی از وابستگیها و علائق دنیوی، از جمله ره‌آورد دعاها می‌مخلصانه است.

ناگفته نماند که گریه در حال دعا نشانه رقت قلب است و رقت قلب هم نشانه خلوص نیت و برقراری ارتباط معنوی با حضرت باری تعالی است.



۱. صحیفه نور، حضرت امام خمینی علیه السلام، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱۳، ص ۳۴.

۶۲۵۲